

ساختار کالبدی محله در شهرهای ایرانی-اسلامی

سارا سادات محمدی^{۱*}، علمدار علیان^۲

۱- دانشجوی دکتری باستان شناسی، گرایش دوران اسلامی

۲- مسئول مرکز باستان شناسی اداره کل میراث فرهنگی استان اصفهان

smohammadi66@alumni.ut.ac.ir

چکیده

در شهرهای ایران، نواحی مسکونی به محله‌های مختلف و مجزا تقسیم می‌شدند، در واقع محله یک تشکل اجتماعی است که فضاها و محوطه‌های عمومی آن (به شکل عام و باز به شکل خاص) مکانی جهت برقراری روابط اجتماعی و ارتباطات چهره به چهره بود و در این حالت محیط به لنگرگاهی روانی مبدل می‌گشت که در آن هویت‌مندی و هم‌محله‌ای نوعی ارزش محسوب می‌شد. محلات که به عنوان محورهای شکل دهی بافت در شهرهای ایرانی - اسلامی مطرح‌اند و بر همین اساس پژوهش پیش رو با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و کتابخانه‌ای در صدد است به تحلیل فضای کالبدی محلات در بافت و چگونگی عناصر وابسته در آن پرداخته تا بتواند به درک درست مخاطب از ساختار شکل‌گیری و توسعه محلات منجر گردد.

واژگان کلیدی: شهرهای ایرانی - اسلامی، محله، عناصر معماری.

۱- مقدمه

شهرها در بستر زمان دارای کارکردها و کاربردهای متنوعی هستند اما الویت و تاکید اصلی بر تاثیرات فرهنگی است که بر شکل و شمایل شهر اثر می‌گذارد (کوسامبی، ۱۳۸۳). در ایران نیز تعامل اصول و ارزش‌های فرهنگ ایرانی با معیارهای اسلامی در چگونگی شکل‌گیری محیط زندگی، تاثیر متقابلی بر تحول فرهنگی و رفتارهای انسانی داشته که پرداختن به آن (جهت ترفیع و تثبیت هویت و فرهنگ جامعه) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (نقی زاده، ۱۳۸۵). در این میان محلات به عنوان یکی از ارکان‌های اصلی شکل دهی محلا مورد توجه بوده است. محلات نقش اساسی در برقراری ارتباط فضایی با اجزا مختلف بافت دارد. از این روی بررسی ابعاد مختلف محله از نظر معماری، فضایی، سیاسی، اجتماعی به منظور درک بهتر ساختار آن بسیار حائز اهمیت است. بر این اساس و با توجه به گستردگی موضوع نگارندگان در نظر دارند در این مبحث به معرفی اجزاء معمارانه محلات بپردازند تا از این رهگذر بتوان درک عمیقی از این ساختار به مخاطب ارائه دهند.

۲- شهر ایرانی - اسلامی

پیدایش اسلام تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی را در بسیاری از کشورها و شهرهای کهن جهان به انجام رساند و در کمتر از نیم قرن فرهنگ اسلامی از غرب تا اسپانیا و از شرق تا هند گسترش یافت هیچ مذهب و فرهنگی به سرعت اسلام در دنیا گسترش نیافت و ابعاد فرهنگی و آثار معماری را در این حد به وجود نیاورد در آغاز اسلام و در دوره پیامبر اکرم (ص)، مدینه النبی به عنوان شهر رسول خدا نیز تحت تأثیر فرهنگ اسلامی قرار گرفت (مانند ساخت مسجد).

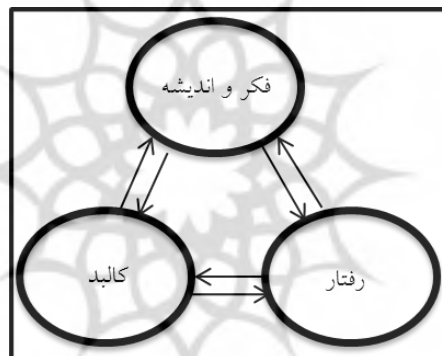
ایران نیز با ورود اسلام بدان از این امر مستثنی نبود پس ظهور و حضور اسلام در شهرهای ایرانی؛ شهرها و محله‌ها براساس روابط اجتماعی و مسائل همسایگی شکل گرفته‌اند و ابعاد اجتماعی، فرهنگی و روانی از عوامل مهمی بودند که در طرح ریزی و سازماندهی شهرهای ایرانی - اسلامی نقش مهمی ایفا می‌کردند و در شریان‌های محله‌ها، کوچه‌ها و گذرها، روح زندگی می‌دمیدند به طور مثال شهر اصفهان اوج معماری ایرانی - اسلامی در دوران صفویان و اوج اعتلای فرهنگ اسلامی است، به طوریکه شاردن

به هنگام دیدار از اصفهان از عظمت شهر ذکر کرده و از ۱۶۲ مسجد، ۴۸ مدرسه مذهبی، ۱۸۲ کاروانسرا و ۲۷۳ حمام، نام برده است (پورجعفر، ۱۳۹۱). شهر اسلامی از نظر سیاسی و قانون تابع مقرراتی هست که ناشی از شریعت می‌باشد، و از این رو نقش مذهبی شهر بر اهداف نظام اقتصادی حکومت‌های مستقر در آن شهر اولویت دارد (نقی زاده، ۱۳۸۷).

در دوران اخیر و در شهرهای امروزی آنچه فرهنگ ایرانی - اسلامی را ارتقاء می‌بخشید به حیطة فراموشی سپرده شده و در بسیاری از موارد دانسته و ندانسته برخی از بافت‌های زیبای شهری نابود و محله‌ها هویت و مفهوم خود را از دست دادند، این تخریب و از هم پاشیدگی بافت‌ها و پراکندگی عناصر شهر که روزگاری محل تبلور پویایی اجتماعی و اقتصادی در حیات شهر بوده‌اند موجبات کاهش هم پیوندی روابط انسانی و به تبع مشکلات اجتماعی شهرهای ایرانی امروزان دلیل بر این ادعا است.

۳- شهر اسلامی، خاستگاه مدنیت

از نظر واژه شناسی مدینه (شهر)، دین و مدنیت ریشه مشترک دارند. جایگاه شهر را نیز در کلام پیامبر که از لحاظ فصاحت و بلاغت مشهور است می‌توان یافت «انا مدینه العلم و علی بابها» و خود را به شهر تشبیه می‌کنند و نه دریا، کوه یا آسمان، یعنی در صورت حاکمیت قاعده و قانون، اوج و اعتلایی در شهر است که زمینه «خلاقیت و شکوفایی» را فراهم می‌آورد. شهر اسلامی از نظر سیاسی و قانون، تابع مقرراتی است که ناشی از شریعت هستند و از این رو نقش مذهبی شهر بر اهداف نظام اقتصادی حکومت‌های مستقر در آن شهر اولویت دارد. برای ظهور شهر اسلامی انطباق و همپوشانی سه عنصر ضرورت دارد که عبارتند از: فضای فکری، فضای عملی و فضای عینی (کالبدی) (شکل ۱) (نقی زاده، ۱۳۸۷).



شکل (۱) رابطه‌ی سه عنصر اصلی تعریف کننده‌ی شهر اسلامی (نقی زاده، ۱۳۸۷)

فضای فکری: در حقیقت شهر اسلامی فقط کالبد نیست، بلکه فضای فکری یا به عبارتی جهان بینی توحیدی و ایمان، مهم‌ترین عامل تعریف کننده‌ی شهر اسلامی است.

فضای عمل و رفتار: مطابق دستوراتی که از تعالیم اسلامی استنباط می‌شود، عمل و رفتار مسلمانان شکل می‌گیرد از جمله رفتارها که خداوند بزرگ بدان در دین مبین اسلام دستور داده عدالت، همسایه داری، تعاون و مشارکت، تشکیل امت واحد و یکپارچگی اجتماعی ۱.

فضای عینی (کالبدی): شهرهای اسلامی در غالب محله‌ها تقسیم بندی می‌شد کالبد این شهرها با احداث مسجد جامع بزرگ در مرکز محله رنگ و بوی اسلامی به خود می‌گرفت و پس از آن بناهای دیگری چون بازار، مدرسه، حسینیه، تکیه، قهوه‌خانه و... به عنوان عناصر عمومی در مرکز محله قرار می‌گرفتند، این فضاها از طریق گذرها و معابر (ساباط) به عرصه‌ی خانه‌ها متصل می‌گشت وجود سلسله مراتب دسترسی و درونگرایی فضاها به دلیل کنترل دید و محرمیت مهمترین نشانه‌های کالبدی محلات گذشته است (همان).

۱- آیه‌ی شریفه "واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا" دلیل محکمی بر این ادعا است

۴- مفهوم محله

در لغتنامه‌ی دهخدا به معنای «کوی، برزن، یک قسمت از چندین قسمت شهر» آمده است (دهخدا). تعریفی که لینچ از محله دارد عبارت است از: محله قسمت نسبتاً بزرگی از شهر است که واجد خصوصیات یکدست و مشابه باشد و ناظر عملاً بتواند به آن وارد شود. در ایران محله‌ها کالبد سکونت و اشتغال ۱۰۰۰-۵۰۰ خانوار با دامنه نوسان شعاع دسترسی پیاده ۳۷۵-۳۰۰ متر (۵-۴ دقیقه پیاده) هستند که با عناصر شاخص فرهنگی (مسجد) و آموزشی (دبستان) تعریف می‌شود (پیر بابایی و سجاد زاده، ۱۳۹۰). هر محله محل سکونای ترکیبی از قشرهای گوناگون اجتماعی بوده و در واقع سکونتگاه گروه‌های قومی، نژادی، مذهبی و صاحبان پیشه‌ها است؛ در نتیجه خانه‌های کوچک، متوسط و بزرگ در کنار یکدیگر بوده‌اند (لطیفی و صفری چابک، ۱۳۹۲). در شهرهای بزرگ هر محله برای خود شهری بود نیمه مستقل با بازارها، مساجد و سازمان اداری مشخص که وابسته به حکومت شهر بود، همکاری و تعاون بین افراد یک محله و حمایت اجتماعی و اقتصادی آنان از همدیگر آنقدر بود که فقدان مقررات برای تأمین امنیت اجتماعی فرد را تا حدودی جبران می‌کرد. «هم محله‌ای» بودن نیز نوعی ارزش محسوب می‌شد (سلطان زاده، ۱۳۸۹). محله بیش از آنکه یک فضا باشد، «یک تشکل اجتماعی» است و مکان تشکیل شبکه‌های اجتماعی می‌باشد. چنین ساختاری بیش از آن که تنها یک فضا باشد، یک تجربه است (نقی زاده، ۱۳۸۷). فضاهای عمومی اعم از باز و بسته جایگاهی برای برقراری ارتباط نزدیک، هم پیوندی و کاهش تضادها است این فضاها مکان‌هایی‌اند که بشر می‌تواند خود را در آن باز یابد و رابطه‌هایی اجتماعی خود را تقویت کند (حسینی، ۱۳۸۷).

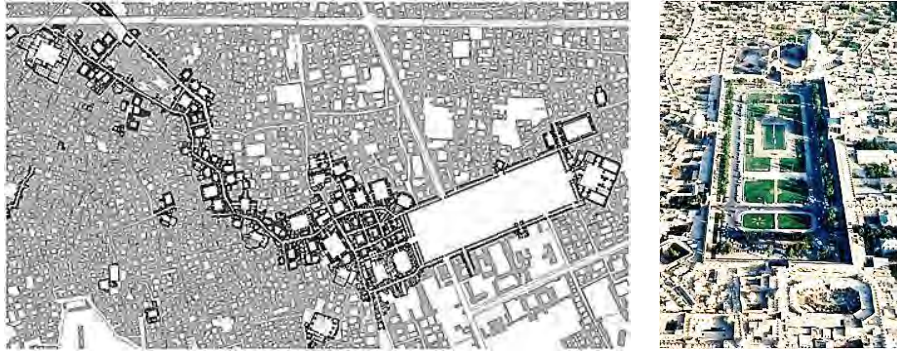
۵- گذری بر تاریخچه‌ی محله

پیش از اسلام بیشتر شهرها را به شکل کلات (قلعه، برج و بارو) می‌ساختند و در آنها موضوع نظام طبقاتی را بسیار رعایت می‌کردند. طبقه‌های اجتماعی بیشتر شامل ارتشداران، مدیران، استرپوشان و صنعتگران بود که هرکدام جای خود را داشتند و نمی‌توانستند به محله دیگر بروند (حبیبی، ۱۳۸۳). بعد از ظهور اسلام، این مسأله منتفی شد و شکل‌گیری اولیه محلات بر اساس تقسیم بندی‌های نژادی، قومی، دینی یا خویشاوندی بود و در بسیاری موارد همین امر برای نامگذاری محله مورد استفاده قرار می‌گرفت. نامگذاری محلات بعضاً بر اساس نام افراد سر شناس بود و ساختار محله نیز متأثر از عوامل اقلیمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بوده که بر پایه‌ی تجمع و پیوستگی جامعه ساکن در آن شکل می‌گرفت روابط محکم همسایگی با هویت ایرانی - اسلامی و بومی در محلات سنتی منجر به تجلی الگوهای مشترک زندگی، وابستگی عمیق محلی و محترم شمردن حریم‌ها در گذشته بوده است (پیر بابایی و سجاد زاده، ۱۳۹۰).

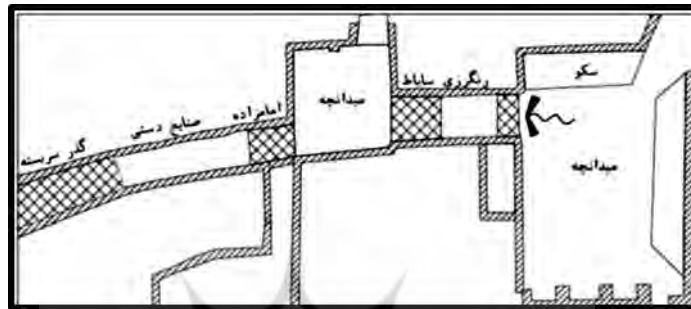
محله برای خود مسجد، بازارچه، مدرسه، حسینیه، تکیه، مسکن و راهای ارتباطی را دارا بوده و شهر به طور معمول، از چند محله تشکیل می‌شد و هر محله، دروازه مخصوص به خود را داشت (پیرنیا، ۱۳۸۷). محله‌ها به وسیله کوچه‌هایی به بازار یا دل شهر وصل می‌شد کوچه‌های محله به صورت راه‌های باریکی خانه‌ها را به هم وصل کرده، چون شبکه‌ای از موی رگ‌ها که امکان‌ات ارتباطی ساکنان را فراهم می‌ساختند.

گذرها گره‌های کوچکی در محله‌های شهری بودند که محل ملاقات و ارتباط بین مردم هر محله محسوب می‌شدند سرگذر، گاهی به صورت محل انجام مراسم مذهبی در می‌آمد. در طول کوچه‌ها، گهگاه فضاهای سرپوشیده‌ای به نام ساباط وجود داشت که جای مناسبی برای مکث بود بسیاری از محله‌های ایرانی - اسلامی از عواملی چون انسجام و پیوستگی مناسبی برخوردار بودند و همین عامل موجب بالا رفتن ارتباط‌های چهره به چهره و برطرف شدن بسیاری از مشکلات از سوی هم محله‌ای‌ها می‌گردید (پورجعفر، ۱۳۹۱).

سابقه فضاهای باز در شهرها و محلات به فضاهای وسیعی بر می‌گردد که دارای "محدوده‌ای محصور" یا کم و بیش معین بودند و محل تبلور تعاملات اجتماعی مردم بود و دارای کارکردی ارتباطی، اجتماعی، تجاری، ورزشی، نظامی و... بود که میدان نامیده می‌شد و نیز میدان‌های کوچک، به خصوص میدان‌های کوچک ارتباطی درون محله‌های مسکونی که میدانچه نامیده می‌شد از اهمیت بارزی برخوردار بوده‌اند (سلطان زاده، ۱۳۸۹). شکل (۲-۳) در دوران معاصر با رواج یافتن اقدامات شهرسازی جدید، محلات تنها در حد یک واحد تقسیمات شهری به کار گرفته می‌شود و از طرفی به بهانه‌ی رفع مشکلات، بافت‌های محلات ارزشمند تخریب و بی در و پیکر شده‌اند دسترسی‌ها و شبکه‌ی به بهم پیوسته‌ی گذرها و کوچه‌ها تعریض و پراکندگی بافت را به همراه داشته است.



شکل (۲) میدان نقش جهان نمود فضای باز در دوره صفوی در شهر اصفهان (سلطان زاده، ۱۳۸۹)



شکل (۳) میدانچه‌ها و عناصر محله‌ای در بافت قدیم (لطیفی و صفری چابک، ۱۳۹۲)

۶- عناصر (دانه‌ها) تشکیل دهنده محلات

باورهای اسلامی نیز در شکل‌گیری عناصر محلات مسکونی تاثیر گذارند، اسلام تعهد به تشکیل امت که لازمه‌ی آن استحکام واحدهای اصلی اجتماعی (یعنی خانواده، اهل محل و همسایگی) است را تقویت می‌کند و مفاهیم همبستگی و انسجام را با مفهوم امت یکسان می‌داند بنابراین به واسطه‌ی پیوستگی و انسجام روابط اجتماعی شکل‌گیری دانه‌های عمومی اعم از باز و بسته عمومی تا خصوصی (سکونت محله) در کنار یکدیگر و همزمان شکل می‌یابند (مظفر و اسد پور، ۱۳۹۱).

۶-۱- بخش سکونت محله

خانه به عنوان یکی از عناصر اصلی سازنده در محله ایرانی - اسلامی به شمار می‌رود و به معنای حرم امن یک مسلمان می‌باشد. ابعاد مادی آرامش و خلوت و تأمین امنیت از ویژگی‌های اصلی آن محسوب می‌شود و این عوامل زمانی به درستی لحاظ می‌شود که از نظر موقعیت به درستی در بافت جانمایی شده باشد، در معماری کهن ایران خانه‌ها بر پایه اصولی چون سلسله مراتب، درونگرایی و محصوریت بنا می‌شد تا عوامل ذکر شده لحاظ گردد (معماریان، ۱۳۸۷). در حالیکه امروزه توجه اصلی دست اندرکاران تهیه‌ی مسکن در مجتمع‌های زیستی تولید و ایجاد «سرپناه به جای خانه» است. امروزه کشورمان به بهانه‌ی ایجاد سرپناه، راهی را می‌رود که غرب چندین دهه‌ی قبل طی کرده، شاهد عواقب زیان بار آن بوده و برای جبران آن خسارات گزافی را پرداخته است (قاسمی، ۱۳۹۰).

تلاش برای ساماندهی بافت‌ها و محلات مسکونی مذکور باید به نحوی باشد که دیدگاه جزء نگر به یک دانه‌ی مسکونی در کنار دیدگاه کل نگر یعنی ترکیب دانه‌های مسکونی با سایر دانه‌های محله به طور همزمان شکل گیرد دیدگاهی که امروزه عاملان بافت‌ها یا بسیار جزء نگر یا خیلی کل نگر بوده‌اند دیدگاه جزء نگر معمولاً از حد یک دانه‌ی مسکونی فراتر نمی‌رود. چنین دیدگاهی وابستگی دانه‌ها به یکدیگر را به حداقل می‌رساند و زندگی ساکنان دانه‌ی مذکور در چهارچوب آن محبوس می‌شود و چون اصلاً توجهی به آنچه در بیرون می‌گذرد نشده نمی‌توان انتظار داشت که استفاده کنندگان، چشم اندازی وسیع‌تر برای زندگی کردن متصور شوند و

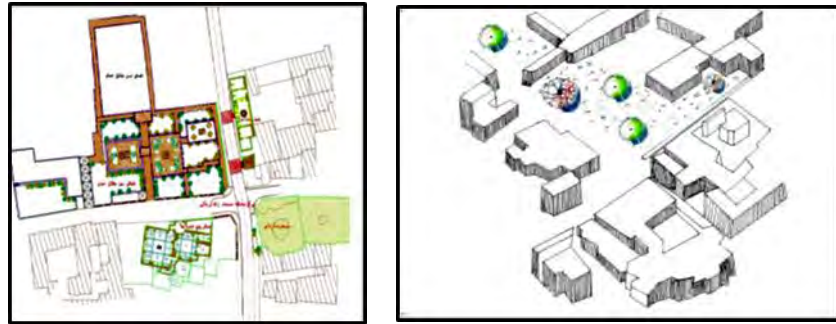
در دیدگاه کل نگر بدون در نظر داشتن نگاه جزئی به یک دانه‌ی مسکونی عملاً انسان بسیار ریز و یا حتی فراموش می‌شود که خود در دراز مدت عواقب ناخوشایندی را به همراه داشته است، نمونه‌ی کامل و بارز آن پارگی محلات، عریان شدن مرکز محله و غلبه‌ی ماشین بر انسان در دنیای امروز است (قاسمی، ۱۳۹۰) جدول (۱) بر اساس نگاه جزئی به دانه‌ی مسکونی دریافت قدیم بیان شده است و در قسمت‌های بعدی به نحوه‌ی قرارگیری دانه‌ها در کنار یکدیگر؛ در دیدگاه کل نگر به بافت جدولی تنظیم شده که بدان اشاره خواهد شد.

جدول (۱) فضاهای اصلی زندگی در خانه‌های سنتی به تفکیک گونه‌های فضایی (باز، نیمه باز و بسته)

گونه فضا	فضا	کاربری	اجزاء	دیدگاه معماری
فضاهای باز	حیاط	امکان تأمین نور و تهویه، خلق طبیعت کوچک در حیاط، تأمین فضای باز خصوصی، فضایی با نظم هندسی که مساحت آن بر اساس تعداد اتاق‌ها بود	جداره های طرف، باغچه، حوض، درخت ان، گل و گیاه	
	مहतایی	برای تماشای مهتاب و شب نشینی	دیوار، کف، بدون سقف	
	پشت بام	بام‌ها با سقف‌های متنوع طراحی در برخی اقلیم‌ها به جای مهتابی استفاده می‌شد	جان‌پناه، در بعضی وجود اتاق سرپله	
فضاهای نیمه باز	ورودی	ارتباط درون و بیرون، حفاظت از نفوذ بیگانه، تقویت هویت و خوانایی، تفکیک عرصه‌های عمومی، نیمه عمومی و خصوصی	سردر، آستانه، در، روزن، کوبه و حلقه و قفل	
	هشتی	جلوگیری از دید مستقیم به حیاط، محل گفت و گو مختصر مراجعه کننده	سکونشستن، ابعاد کوچک، چهار گوشه	
فضای بسته	اتاق	پنج دری، سه دری (خواب)	۴ طرف دیوار با سقف فضای داخل	
	پستو	فضای پشتیبانی و مخصوص نگهداری وسایل	ارسی تزئینات آینه کاری و شیشه‌های مشبک رنگی	
	ارسی	پذیرایی از مهمان، جداره شیشه‌ای رو به حیاط		
	مطبخ	تهیه‌ی غذا و قرارگیری در گوشه‌ی حیاط		
	زیر زمین	در برخی خانه‌ها وجود داشته و به عنوان فضای پشتیبانی استفاده می‌شد		

۶-۲- مرکز محله

مرکز محله به عنوان اصلی‌ترین گره‌ی محله و مهمترین مکان برای درونی کردن مفهوم شهروندی است و به عنوان اصلی‌ترین مصداق فضاهای باز جمعی جهت برقراری روابط پیوندی در محلات مسکونی است (عصار و نظری پور، ۱۳۹۱). ابعاد آن به نحوی است که پاسخگوی نیاز ساکنین به صورت پیاده است. گاهی مرکز محله به صورت یک راسته و گذر در جهت خدمات رسانی به چندین ریز محله فعالیت می‌کند که در این راستا گره‌های فعالیتی با عناصر و اجزا خود محدوده‌ای را مشخص می‌کند و از طریق این راستا با یکدیگر در ارتباطند و گاهی مرکز محله به صورت میدان و میدانچه، جایگاه عناصر بافت شامل مسجد، حسینیه، تکیه، سقاخانه، خانقاه، قهوه خانه، آب انبار، بازار و بازارچه و ... در آن به تبع نیاز ساکنین نمود میافتد و اغلب در محل تقاطع چند راه یا در کنار راه اصلی محله قرار داشتند (شکل ۴) (سلطان زاده، ۱۳۸۹).



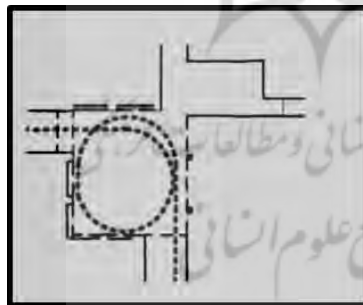
شکل (۴) مرکز محله‌ی زندگرمانی در جویباره اصفهان (میراث فرهنگی اصفهان، ۱۳۹۲)

۳-۶- مسجد محله

کالبد محلات ایرانی - اسلامی با احداث مسجد جامع بزرگ در مرکز محله رنگ و بوی اسلامی به خود می‌گرفت مسجد یکی از مکان‌های قابل توجه در مرکز محله‌ها جهت برقراری ارتباط و روابط چهره به چهره مسلمانان است معمولاً سرانه‌ی محلات با عنصر شاخص (فرهنگی) مسجد و آموزشی دبستان سنجیده می‌شود مسجد در میان اندام‌های درون شهری و محله‌ای، همیشه جایگاه ویژه خود را داشته و از دیگر اندام‌ها نمایانتر و چشمگیرتر بوده است (پیرنیا، ۱۳۸۷). حضور مسجد بعنوان عنصری معنوی در مرکز محله، موجب تپش قلب آن، نوعی ماندگاری و جاودانگی و به زبانی پایداری حیات محیط اطراف خواهد گردید (پور جعفر، ۱۳۹۱).

۴-۶- تکیه

آئین‌های جمعی و مراسم مذهبی، نمایش‌های نمادینی هستند که از طریق آن‌ها انسجام و همسان سازی تعلق تحت معنویتی واحد تقویت می‌شود. مراسم آئینی نوعی از مراسم جمعی است که هدف عمومی شرکت کننده در آن واحد بوده که یادآوری و زنده نگه داشتن نمادها است. تکیه به عنوان یک عنصر منفرد فضایی به صورت یک فضای باز یا نیمه باز (سقف سبک) که در برگزاری مراسم خاص کارکرد می‌یابد در تمامی تکایا، عزاداری دسته و مراسم تعذیه نیز برگزار می‌شود. گاهی یک تکیه در شهر با وسعتی بزرگ در نظر گرفته می‌شد و گاهی در محلات تکیه فضایی نسبتاً کوچک و مسقف بود که تنها محل جمعی ساکنان در فضای باز و برای برگزاری مراسم مذهبی و آئینی به شمار می‌آمد (پیربایی و سجاده‌زاده، ۱۳۹۰).



شکل (۵) نمودی از تکیه دولت در تهران و تکیه‌ی محلی کوچک در شهر سمنان (همان)

۵-۶- بازار و بازارچه

در محلات ایرانی - اسلامی بازارها و بازارچه‌ها علاوه بر فعالیت‌های اقتصادی، دارای فعالیت‌های اجتماعی نیز می‌باشد فعالیت‌های اجتماعی که در بازار صورت می‌پذیرد، معمولاً شامل مجموعه به هم پیوسته‌ای از رفتارهاست که توسط مردم و در فضاهای مشخصی از بازار با ویژگی‌های خاص صورت می‌پذیرد این رفتارهای جمعی در واقعیت می‌تواند کارکرد بنیادی تقویت و همبستگی گروهی را انجام دهد و به ادغام رفتار فردی و ساختار گروهی جامعه کمک کنند و در نتیجه موجب کاهش تنش و اضطراب در جامعه گردد. وجود بازارچه‌ها در مراکز محله به عنوان نهاد کوچکتر بازار همان نقش و عملکرد اجتماعی و اقتصادی را ایفا می‌کرده است (لطیفی و صفری چابک، ۱۳۹۲).

۶-۶- راه‌ها و گذرهای ارتباطی

فضای باز معابر شامل دسترسی و گذرها بوده که علاوه بر فعالیت‌های ارتباطی و دسترسی راه‌ها، تماس و ارتباط حضوری بین افرادی بود که در هنگام ملاقات یکدیگر به گفتگو می‌ایستادند و به تبادل افکار و اطلاعات می‌پرداختند. هر معبر اصلی کما بیش به فضاها و فعالیت‌های عمومی اختصاص می‌یافته است و گذرهای فرعی تر در غالب نوعی قلمرو برای بخش سکونت منتهی می‌گشت دامنه کارکردهای معابر چنان گسترده و متنوع بود که در بعضی از شهرها از معابر بسیار کم عرض موسوم به «کوچه آشتی کنان» برای آشتی دادن افرادی که میانشان کدورت وجود داشت، استفاده می‌کردند (سلطان زاده، ۱۳۸۹).



شکل (۶) تداخل بین سواره و پیاده در انجام مراسم مذهبی در دوران معاصر (سلطان زاده، ۱۳۸۹)

بعضی از مراسم و آداب اجتماعی و مذهبی نیز در معابر برگزار می‌شد. بهترین نمونه آن مراسم عزاداری ایام عاشورا است که ضمن آن بخشی از مراسم یعنی حرکت گروه ای عزادار و سینه زن از بازار و کوی‌های شهر انجام می‌گرفت و بخش مهم و پر شوری به شمار می‌آمد (همان). دسترسی و به هم پیوستگی مسیرها در فضای باز و نقش ارتباطی و اجتماعی آن گونه‌ای دیگر از عناصر تشکیل دهنده محلات ایرانی - اسلامی است (شکل ۶).

۷- دیدگاه کلی نگر به نحوه قرارگیری دانه‌های تشکیل دهنده محله

به منظور رسیدن به یک دیدگاه کلی جهت طراحی دانه‌های محله و نحوه قرارگیری آنها نسبت به یکدیگر در شهر و محله‌ی ایرانی - اسلامی به کارگیری اندیشه «مکتب اصفهان» در این زمینه به عنوان الگوی «معماری ایرانی - اسلامی» در نظر گرفته شده است چرا که این مکتب به صورت کامل و جامع نماینده اصول و قواعد به کار گرفته شده در محلات و فضاهای باز آن می‌باشد و می‌تواند به عنوان رکن اول تحقیق مد نظر قرار گیرد این مکتب با تشکیل دولت صفوی در قرن دهم هجری سبب شد تا حیات عقلی شیعی به اوج خود رسد و این هویت و شخصیت را به عنوان خمیر مایه‌ی فرهنگی همه‌ی شئون زندگی پس از خود قرار دهد و به عنوان نمونه‌ی الگوی کامل دانه‌های یک محله‌ی ایرانی - اسلامی ایفای نقش کند (حبیبی، ۱۳۸۳). بازرترین ترکیب کلامی مکتب اصفهان در مجموعه‌های کالبدی - فضایی در جدول (۲) قابل مشاهده است.

علاوه بر مطالب بیان شده نحوه چیدمان دانه‌ها در بافت محلات سنتی و به تبع فضاهای باز آن به صورت ارگانیک می‌باشد که در آنها الگویی از ارتباط و همیاری اجتماعی خاص اسلامی جریان داشته و یادآور اصل عدالت در بهره‌وری یکسان از امکانات عمومی است (شکل ۷) (مظفر و اسد پور، ۱۳۹۱).



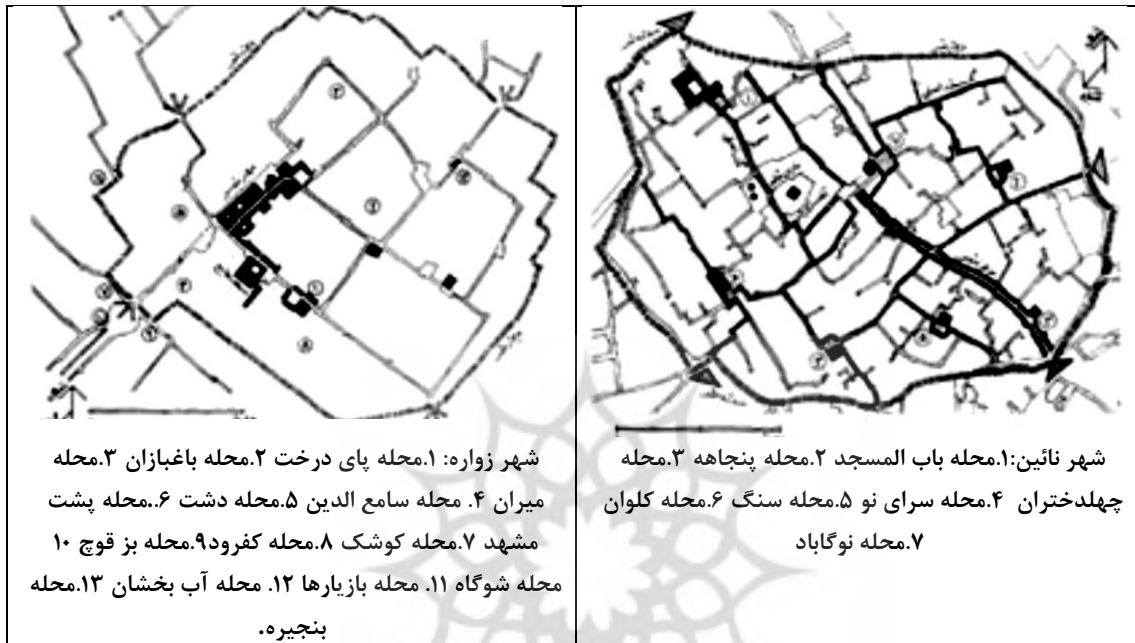
شکل (۷) بافت قدیم اصفهان و نمای ارگانیک آن (مظفر و اسد پور، ۱۳۹۱)

جدول (۲) اصول و قواعد فضاهای محلات سنتی بر اساس مکتب اصفهان

اصول و قواعد	تعریف و تبیین	دیدگاه معماری
تداوم و پیوستگی	فضاهای محله و فضای باز آن به معنای نسیمی است که از میان فضاها می‌گذرد و از این به آن می‌شود	
سلسله مراتب	از مهمترین ویژگی‌های فضاهای باز شهری است و بر مبنای این اصل هیچ فضای باز شهری، بنا یا معماری را نمی‌توان فارغ از مراتب بالاتر یا پایین‌تر آن ایجاد کرد	
تناسب و توازن	شامل موزون بودن دانه‌های باز و بسته، روابط فضایی مابین آنها، نسبت ابعاد و اندازه‌ها و...	
وحدت و کثرت	اصل کثرت: دانه‌ها و فضاها روی به کثرت دارد و تنوع اصل وحدت: این فضاها در انقباض خود و در مجموعه‌ی هم بست‌هایش روی به وحدت دارد	
تباين	آهنگین بودن دانه‌ها با یکدیگر و با فضاها در عین ناهمگونی	
تجمع و تنوع	جمع شدن عناصر و کاربری‌ها تجمع و تنوع را رونق می‌بخشد مانند کروی مقابل که جمع شدن عناصری چون حمام، مسجد، خانه‌های کوچک و بزرگ	
ترکیب	ترکیب اضداد دانه‌ها در فضاهای باز می‌تواند فضایی متفاوت از آنچه معمول است را سبب شود	
اتصال	هر فضای شهری در پی وصل به دیگر فضاها است اتصال فضاهای باز به بسته یا فضای بازی دیگر	
استقرار	یعنی روابط متقابل دانه‌ها و فضاها به عنوان یک کل با یکدیگر به نحوی است که هر واحد بیشترین نقش را در برابر دیگر اجزاء به عهده دارد	
سادگی	خلوص و صراحت فضاها در محلات سنتی مکان درک سریع آن را فراهم می‌کند و موجب خواناتر شدن فضا می‌گردد	
قلمرو	مکانی است که در آن خودی و غریبه تعریف می‌شود و حرمت‌ها نگاهداشته می‌شود مانند گذرهای فرعی و نظام بن بست‌ها	
زمان	دانه‌ها و فضاهای باز خود را در متن شهر می‌یابند؛ معنایی که در بیان مقید به زمان می‌شود. آنچه در زمان دچار دگرگونی می‌شود صورت است و نه محتوا	

۸- نمونه‌ای از بافت محلات در شهر ایرانی - اسلامی

در شکل ۸ بافت شهر نائین و زواره (به ترتیب از راست به چپ) مشخص شده و حاکی از آن است که بافت شهر به صورت ارگانیک و از محلات متعدد متشکل شده است و هر کدام از بافت‌های مذکور شامل عناصری چون مسجد، بقعه، حسینیه، بازار، مدرسه و... می‌باشد استخوان بندی شهر نائین به نحوی است که هر کدام از محلات دارای مرکز محله‌ی مرکزی به صورت میدان و میدانه بوده و عناصر تشکیل دهنده‌ی در آن جانمایی شده و در شهر زواره در قسمتی از بافت شهری مرکز محله‌ای به صورت گذر و راسته‌ی بازار و بازارچه وجود دارد که به چندین محله خدمات رسانی می‌کند (پورجعفر، ۱۳۹۱)



شکل (۸) نمونه‌ای از بافت محلات شهر نائین و زواره و عناصر تشکیل دهنده‌ی آن (پورجعفر و پورجعفر، ۱۳۹۱)

نتیجه‌گیری

محلات به عنوان تبلور فضایی شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه، از انسجام و همگنی خاص برخوردار بوده است به عبارت دیگر یک تشکل اجتماعی است که دانه‌های تشکیل دهنده آن عبارتند از: بخش سکونت، فضاهای عمومی مانند مسجد و فضاهای باز آن شامل مرکز محله، بازار و بازارچه، گذر و کوچه. که مرکز محله به عنوان اصلی ترین نقطه کانونی محله، حس مکان و مرکزیت را تقویت می‌کند. پس از بررسی‌های انجام شده در زمینه‌ی شهر ایرانی - اسلامی و محلات آن و با در نظر گرفتن اصول مکتب اصفهان به عنوان نماد معماری بومی می‌توان بدین مسئله دست یافت که مهمترین مشخصه‌ی بافت‌ها تاریخی نسبت به سایر بافت‌های امروزی وجود روابط اجتماعی حاکم بر آن می‌باشد و میتوان بدین مطلب نیز اشاره نمود که تعاملات اجتماعی و روابط چهره به چهره در آن تعیین کننده‌ی ابعاد محله است.

منابع

- ۱- پورجعفر م، (۱۳۷۶)، نقش و جایگاه مسجد در برنامه‌ریزی و محله‌های شهرهای اسلامی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس
- ۲- پورجعفر م، پورجعفر ع، «الگوی پیشنهادی محله با مرکزیت مسجد در شهرهای ایرانی - اسلامی»، فصلنامه‌ی شهر ایرانی اسلامی، شماره دهم، زمستان ۱۳۹۱، صص.

- ۳- پیر بابایی م. سجاد زاده ح، «تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی»، مجله‌ی باغ نظر، شماره شانزدهم، سال هشتم، ۱۳۹۰، صص.
- ۴- پیرنیا، محمد کریم، (۱۳۸۷)، سبک شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، تهران، انتشارات سروش دانش.
- ۵- حسینی ب. عظمتی ح. باقری م، «تأثیر ادراکی - رفتاری فضاهای باز محله در سلامت دانش آموزان»، فصلنامه‌ی فناوری و آموزش، شماره یک، ۱۳۸۵.
- ۶- حسینی ا. (۱۳۸۷)، ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن، مشهد، انتشارات به نشر مشهد.
- ۷- حبیبی، سید محسن، (۱۳۸۳)، از شار تا شهر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- سلطان زاده ح. (۱۳۸۹)، فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۹- عصار گ. نظری پور ف. «ارزیابی عملکرد فضاهای باز شهری در جهت تقویت و احیای مرکز محله»، فصل نامه سازمان نظام مهندسی، شماره سی و نه، ۱۳۹۱.
- ۱۰- قاسمی و. نگینی س. ۱۳۸۹. بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی باتأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره هفتم، سال دوم، ۱۳۸۹، صص.
- ۱۱- قاسمی م. میدان شهری، (۱۳۸۳) «حیاطی شهری برای حیات شهری»، مجله سرداری‌ها، شماره ۲۷،
- ۱۲- قاسمی م، (۱۳۹۰)، اهل کجا هستیم؟، تهران، انتشارات روزنه.
- ۱۳- کوسامبی، میرا، ۱۳۸۳، شهرهای مغولی و بریتانیایی در هند اشکال و کارکردها، در مجموعه مقالات "شهرنشینی در اسلام" ترجمه مهدی افشار، مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه‌ای توکیو-ژاپن، تهران، ۱۳۸۳
- ۱۴- لطیفی غ. صفری چابک ن، (۱۳۹۲) «بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی - اسلامی بر پایه‌ی اصول نوشهر گرایی»، مجله علوم اجتماعی، شماره ۶۶،
- ۱۵- مظفر ف. حسینی ب. باقری م. عظمتی ح، «نقش فضاهای باز محله در رشد و خلاقیت کودکان»، مجله باغ نظر، شماره هشتم، ۱۳۸۶، صص.
- ۱۶- مظفر ف. اسد پور ع، «نقش الگوهای شکلی و اجتماعی در ساماندهی فضاهای باز مجموعه‌های مسکونی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره سوم، ۱۳۹۱.
- ۱۷- نقی زاده، (۱۳۸۷)، شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)، اصفهان، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان.
- ۱۸- نقی زاده، محمد، (۱۳۸۵)، معماری و شهرسازی اسلامی، اصفهان، انتشارات راهیان